

۲۰

نشانه منافقان در قرآن

به اهتمام:
قباد کاکاخانی

عنوان کتاب:

۲۰ نشانه منافقان در قرآن

تألیف:

قباد کاکاخانی

موضوع:

مباحث قرآنی

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

فهرست مطالب

- مقدمه ۵
- نفاق چیست؟ ۶
- انواع نفاق ۷
- نفاق در عقیده: ۷
- نفاق در عمل: ۷
- نشانه‌های منافق ۸
- نشانه یکم: دروغ گفتن (در باور، گفتار و کردار) ۸
- نشانه دوم: شرم کردن از مردم و شرم نداشتن از خدا ۸
- نشانه سوم: تنبلی کردن در عبادات ۹
- نشانه چهارم: ریا کردن و ریاکاری ۹
- نشانه پنجم: کمتر یاد کردن از خدا و ذکر کم گفتن ۱۰
- نشانه ششم: سوگند و قسم دروغ خوردن ۱۱
- نشانه هفتم: وقایع را بزرگ نشان دادن و شایعه پراکنی ۱۱
- نشانه هشتم: عیب جوئی از قضا و قدر خداوند ۱۱
- نشانه نهم: بدگویی کردن از انسانهای صالح و سالم ۱۲
- نشانه دهم: بدگمانی و تهمت زدن به انسانهای درستکار ۱۲
- نشانه یازدهم: تلاش در جهت شیوع فساد و تباهی به نام اصلاح و نیکویی ۱۳
- نشانه دوازدهم: ظاهر و باطن منافق یکی نیست ۱۳
- نشانه سیزدهم: امر به منکرات و زشتی‌ها و نهی از معروف و نیکویی‌ها ۱۴
- نشانه چهاردهم: منافق در امور خیر خسیس و بخیل است ۱۴
- نشانه پانزدهم: فراموش کردن خدا ۱۴
- نشانه شانزدهم: وعده‌های خدا و پیامبر را دروغ می‌داند ۱۵

- نشانه هفدهم: آگاهی نداشتن از احکام دین و ندانستن برنامه زندگی خداپسندانه..... ۱۵
- نشانه هجدهم: خوشحالی بر مصیبت ایمانداران و دلتنگی در شادی آنها..... ۱۶
- نشانه نوزدهم: چاپلوسی و زبان بازی..... ۱۶
- نشانه بیستم: مسخره کردن دین خدا و سنت پیامبر ﷺ..... ۱۷
- شکست بزرگ..... ۱۷
- دعای پایان:..... ۱۸
- منابع:**..... ۱۹

مقدمه

حمد و سپاس و ستایش و شکر بی پایان، شایسته خداوند بزرگیست که ما را به دین پاک و برگزیده‌ی خود، دین اسلام رهنما شد و آن را بر سایر ادیان برتری داد و درود و رحمت و سلام خداوند بر پیامبر اسلام و تمام همراهان و رهروان راستین وی.

خداوند بزرگ را سپاسگذارم که این توفیق را به دست و قلم و فکر این بنده‌ی ناچیز عطا فرمود تا بتوانم تحقیق و تأملی در مورد صفات منافقین در قرآن داشته باشم.

نفاق و دورویی بزرگترین بیماری جامعه بشری بوده و از جمله موضوعاتی است که سعادت و شقاوت انسان، در دنیا و آخرت با آن گره خورده است. ما امروز به روشنی شاهد این واقعیت تلخ هستیم که بدلیل دور شدن مردم از فرامین و قوانین الهی و ضعیف شدن تقوای الهی در دلها، بیماری نفاق در جامعه شیوع بسیار وسیعی پیدا کرده است و تمام لایه‌های جامعه را دچار و درمانده نموده است. این بدان دلیل است که نفاق تنها یک مرض عادی نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از امراض روحی فراگیر است.

مرا در پیرهن دیوی منافق بود و گردن‌کش و لیکن عقل یاری داد تا کردم مسلمانش مهم‌ترین راه درمان این بیماری، شناخت درست و صحیح علائم و نشانه‌های آن و به دنبال آن، پرهیز و مبارزه با آن نشانه‌هاست. اگر شناخت علائم و نشانه‌های این بیماری برای تمامی انسانها ضروری می‌باشد، به طریق اولی، برای یک مسلمان ضروری تر و واجب تر است. ما در این نوشتار به معرفی و بیان ۲۰ نشانه مهم نفاق و دورویی که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است، می‌پردازیم.

به امید اینکه با یاری خداوند تبارک و تعالی و در سایه شناخت درست این نشانه‌ها و دوری از هم نشینان منافق، از ورود این بیماری به درون روح و روان خود و شیوع آن در روح و روان جامعه جلوگیری نمایم.

دوری ز برادر منافق بهتر
پرهیز ز یار ناموافق بهتر
خاک قدم یار موافق، حقاً
از خون برادر منافق بهتر

نفاق چیست؟

نفاق، ادعای خوب بودن و درستکاری از طرف انسانهای نادرست و نابکار است. نفاق میوه و ثمره کفر است و کفر به معنای پنهان کردن حقایق و وارونه جلوه دادن آنست. منافق در ظاهر مسلمان و در باطن کافر است. در حقیقت نفاق یکی از نشانه‌های کفر در دل است.

گفت بدکار را بد کیفر است گفت منافق از بدکار بدتر است

نفاق از اعمال کسانی است که به زبان ادعای ایمان و صداقت در اقوال و افعال را می‌کنند، اما در دل حقایق را پنهان کرده و با خودشان صادق نیستند:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾﴾ [المنافقون: ٣]

«این (نفاق و دروغگوئی و بازداشتن از دین) بدان خاطر است که (نخست با زبان ایمان آورده‌اند و سپس (با دل) کافر شده‌اند، پس بر دل‌هایشان مهر نهاده شد، و ایشان دیگر (حقیقت را درک نمی‌کنند، و از ایمان چیزی) نمی‌فهمند».

نفاق در ظاهر آراسته و طرفدار حقیقت است، گیج و منگ نیست بلکه بسیار خوب حرف می‌زند، اما مانند طبل توخالی فقط صدای قشنگ و بلندی داشته و هیچ مایه ای از خود ندارد:

﴿وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّكُمْ خُشْبٌ مُّسْتَدَدٌ يَّحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٤﴾﴾ [المنافقون: ٤]

«هنگامی که ایشان را می‌بینی، تیپ و قیافه آنها نظر تو را جلب می‌کند و به شگفتی می‌آورد (و به خود می‌گوئی: چه انسانهای باوقار و برازنده‌ای!) و هنگامی که به سخن در می‌آیند (به علت قشنگی کلامشان) به سخنانشان گوش فرا می‌دهی. (با وجود این جاذبه‌ی صورت و گیرائی گفتار) آنان انگار تخته‌هایی هستند که (بر دیوار) تکیه داده شده باشند (بی‌جان و بی‌ایمان، هیکلهای توخالی، درونهای بی‌نور و صفا، نقشهائی بر در و دیوارها). هر فریادی را بر ضدّ خود می‌پندارند و هر آوازی را به زیان خویش! آنان

دشمنان واقعی هستند پس از ایشان برحذر باش. خداوند آنها را بکشد! چگونه (از حق) رویگردان می‌شوند (و منحرف می‌گردند؟!)).

گفت یزدان مر نبی را در مساق یک نشانی سهلتر زاهل نفاق
گر منافق زفت باشد نغز و هول و شناسی مر و را در لحن و قول

انواع نفاق

نفاق در عقیده:

نفاق در باورها و اعتقادات اسلامی انسان را از دایره اسلام خارج کرده و صاحب آن داخل در آتش جهنم می‌شود. همانطور که خداوند در کتاب خود می‌فرماید:

﴿بَشِيرِ الْمُتَّقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۳۸]

«به منافقان مژده بده که برای آنها عذاب دردناکی خواهد بود».

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ يَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۴۵]

«بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین‌ترین مکان آن هستند و هرگز یآوری برای آنان نخواهی یافت (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند)».

﴿إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُتَّقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۴۰]

«شک نیست که خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد می‌آورد؛ (پس از مخالطه و مجالسه با ایشان پرهیزید تا همراه آنان به آتش دوزخ گرفتار نشوید)».

نفاق در عمل:

تمام اعمالی که انسان در ظاهر انجام می‌دهد اما در درون با اخلاص قلبی همراه نیست و خودش هم این دوگانگی را می‌داند، از مصادیق نفاق در عمل به حساب می‌آیند. نفاق در عمل شامل دایره بسیار وسیعی از اعمال و کارهای روزمره یک منافق بوده و از گستردگی زیادی برخوردار می‌باشد.

نشانه‌های منافق

نشانه یکم: دروغ گفتن (در باور، گفتار و کردار)

﴿وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ [المنافقون: ۱]

«خداوند گواهی می‌دهد که منافقان در گفتار خود دروغگو هستند.»

اولین صفتی که خداوند در سوره منافقون به منافقین نسبت می‌دهد، دروغ گفتن است. یعنی در صحبت کردن چیزهایی را به زبان می‌آورند که خودشان ایمانی و اعتقادی به آن سخنان ندارند و در دل خود میدانند که در حال دروغ و فریبکاری هستند. منافق با دروغ‌گویی حقایق را به نفع خود پنهان میکند. منافق اگر پیمانی با کسی ببندد یا قولی بدهد، در قول و پیمان خود دروغگو بوده و پیمان خواهد شکست. او همچنین در قول خود دغل باز و نیرنگ باز نیز می‌باشد. بنابراین کسی که به زن، فرزند، دوستان و بقیه مردم قولی یا وعده ای بدهد و بدون داشتن عذر شرعی قابل قبول، آن را بجا نیاورد و در قول و وعده خود دروغگو باشد، با این کار خود، وارد دایره نفاق خواهد شد و یکی از نشانه‌های نفاق را در خود پرورش می‌دهد.

نقض میثاق و عهدود از احمقیست حفظ ایمان و وفا کار تقیست

در قرآن هر جا از نفاق صحبت می‌فرماید، بلافاصله همراه با این واژه از دروغ هم صحبت می‌کند و برعکس هر جا از دروغ سخن می‌گوید، به همان شکل همراه با آن از نفاق هم سخن می‌گوید.

نشانه دوم: شرم کردن از مردم و شرم نداشتن از خدا

﴿يَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ

الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ حَيِّطًا﴾ [النساء: ۱۰۸]

«آن‌ها (زشتکاری‌های خود را) از مردم پنهان می‌دارند، اما از الله پنهان نمی‌دارند، و او با ایشان است؛ هنگامی که در جلسات شبانه سخنانی را که الله نمی‌پسندد، تدبیر می‌کنند، و الله به آنچه انجام می‌دهند؛ احاطه دارد.»

این نشانه بزرگترین و بهترین نشانه است که میتوان به وسیله‌ی آن یک منافق را از ایمانداران واقعی جدا کرد و تشخیص داد. منافقی که در جلوی چشم مردم، مرتکب گناه و معاصی نمی‌شود، اما در تنهایی و خفا به راحتی مرتکب گناه می‌شود و خداوند بزرگ را کمترین کس هم به حساب نمی‌آورد تا از وی اندک شرمی داشته باشد. منافق خوشایند مردم را بیشتر دوست دارد تا خوشنودی خداوند را.

اما مؤمن واقعی، خداوند را همواره ناظر و حاضر می‌بیند و در پنهان و آشکار، خداوند را بر نفس و درون خود شاهد و بینا می‌داند و خوشنودی خداوند را بر رضایت مردم ترجیح می‌دهد.

نشانه سوم: تبلی کردن در عبادات

﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى﴾ [النساء: ۱۴۲]

«منافقان هنگامی که برای نماز برمی‌خیزند، سست و بی‌حال به نماز می‌ایستند».

منافقین در زمان پیامبر ﷺ با آن حضرت به نماز می‌ایستادند اما خداوند متعال پیامبر را از اینکه منافقین با تبلی و ناراحتی به نماز می‌آیند، آگاه نمود. اگر این شرح حال منافقین است، پس وای به حال کسانی که نه با نشاط و نه با تبلی نماز نمی‌خوانند!؟
آن منافق از برون صوم و صلوات وز درون آب سیاه بی‌نبات

نشانه چهارم: ریا کردن و ریاکاری

﴿يُرَاءُونَ النَّاسَ﴾ [النساء: ۱۴۲]

«بدون شک منافقان ریاکار هستند و در جلو مردم خودنمایی میکنند (و نمازشان به خاطر مردم است، نه به خاطر خدا)».

ریا کردن به این معناست که شخص، خودش را جلوی چشم مردم خداترس و پرهیزکار نشان می‌دهد تا مورد احترام و قبول مردم قرار گیرد و به چشم آدم خوب به او نگاه کنند. حتی نمازهای انفرادی نیز طوری وانمود می‌کند که بسیار مخلص و متدین

است. در اجتماعات و مجالس نیز با ادب و عبادت پیشه نشان می‌دهد اما وقتی به خلوت می‌رود، برعکس آنچه نشان می‌داد عمل می‌کند و انگار هیچ ترسی از خدا ندارد و اصلاً خدا را نمی‌شناسد. تمام سخنان و کارهایش برای جلب توجه مردم است و خودش هم به این دوگانگی شخصیتی در وجود خود آگاهی دارد.

ریا از گناهان کبیره بوده و به شرک نزدیک می‌باشد، چون مقصود از عبادت شخص ریاکار، جلب توجه مردم است و این به معنای پرستش مردم بوده و شرک است. گاهی مقصود ریاکار، جلب نظر مردم برای رسیدن به مقام و مسئولیتی مانند نمایندگی یا ریاست یا رهبری است.

نماینده‌گی و قضاوت و ولایت و رهبری که به امور و حقوق مردم تعلق دارد، اگر همراه با رعایت عدالت باشد، از عبادات بزرگ بشمار می‌رود اما اگر با عدالت همراه نباشد از گناهان کبیره و بزرگ است. بنابراین کسی که مطمئن نیست بتواند عدالت را رعایت کند و بر آن توانا نیست، قبول مسئولیت برایش حرام است^۱.

نشانه پنجم: کمتر یاد کردن از خدا و ذکر کم گفتن

﴿وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۲]

«و (منافقان) الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

خداوند نفرمود منافقان به یاد خدا نیستند بلکه می‌فرماید آنها کسانی هستند که خدا را یاد می‌کنند اما به کمی و به تنبلی.

۱- قبول مسئولیت در صورتی حرام می‌باشد که شخص مطمئن باشد از عهده وظیفه اش بر نخواهد آمد و حق دیگران ضایع می‌گردد در حالی که افرادی اولاتر از او وجود دارند که توانایی انجام مسئولیت را دارند. اما در صورت عدم وجود افراد اولاتر و متخصص و همچنین عدم اطمینان به ناکارآمدی و ناتوانی خویش، قبول مسئولیت جایز بوده و حرام نیست. (مصحح)

نشانه ششم: سوگند و قسم دروغ خوردن

﴿اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً﴾ [المجادلة: ۱۶]

«منافقین) سوگندهای (دروغین) خود را سپری (برای رهائی از گرفتار آمدن به دست عدالت، و پوشاندن چهره واقعی خویش) می‌گردانند».

منافی اگر شخصی را غیبت کند و آن شخص بشنود و بگوید چرا چنین چیزی را گفته ای؟ می‌گوید به خدا قسم که من چنین حرفی را پشت سر تو نگفته‌ام. منافق در معامله نیز بی‌پروا قسم دروغ می‌خورد و هیچ ابایی ندارد.

چون ندارد مرد کج در دین وفا هر زمانی بشکند سوگند را
راستان را، حاجت سوگند نیست زانکه ایشان را دو چشم روشنیست

نشانه هفتم: وقایع را بزرگ نشان دادن و شایعه پراکنی

﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الأحزاب: ۶۰]

«اگر منافقان و کسانی که در دل‌های شان بیماری است، و شایعه پراکنان در مدینه (از کار خود) باز نایستند، یقیناً تو را بر (ضد) آن‌ها می‌شورانیم (و بر آن‌ها مسلط می‌گردانیم) سپس جز اندکی در کنار تو در آن (شهر مدینه) نباشند».

یکی از نشانه‌های منافقین این است که وقایع و چیزهای کوچک را بزرگ جلوه می‌دهند و با شایعه پراکنی سعی در تضعیف مسلمانان و جامعه اسلامی می‌کنند.

نشانه هشتم: عیب جویی از قضا و قدر خداوند

﴿الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أِطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۶۸]

«منافقان کسانی هستند که (خود در خانه) نشستند و (از جنگ کناره‌گیری کردند و نسبت) به برادران خود گفتند: اگر از ما اطاعت می‌کردند (و حرف ما را می‌شنیدند) کشته نمی‌شدند. بگو: پس مرگ را از خود به دور دارید اگر راست می‌گوئید (که می‌توان با پرهیز و حذر از

دست قضا و قدر گریخت».

منافق به قضا و قدر و مشیت الهی راضی نیست و هر اتفاقی در زندگی بیفتد، می گوید اگر چنین می کردم، چنین می شد. اما مؤمنین واقعی در پیشامدهای خیر، شکرگذار و در بلا و مصیبت، آرام و صبورند و در هر حال به رضای الهی رضایت دارند.

نشانه نهم: بدگویی کردن از انسانهای صالح و سالم

﴿أَشْحَهَ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ- عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِاللِّسَانِ حِدَادٍ أَشْحَهَ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [الأحزاب: ۱۹]

«آن‌ها بر شما بخل می‌ورزند، پس هنگامی که (زمان) ترس (پیش) آید، می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند، در حالی که چشم‌هایشان (در حدقه) می‌چرخد، مانند کسی که از (سکرات) مرگ بی‌هوش شده باشد، پس چون ترس (و وحشت) بر طرف شد، شما را با زبان‌های تیز (و تند خود) می‌رنجانند، در حالی که بر مال (غنایم) سخت حریص و آزمیندند، اینان (هرگز) ایمان نیاورده‌اند، لذا الله اعمال‌شان را تباه (و نابود) کرد، و این (کار) بر الله آسان است».

منافق وقتی که از نزد مسلمانی خارج می‌شود، پشت سر او با زبانی تیز و برنده شروع به بدگویی می‌کند.

آن منافق چون درین ظاهر گریخت خون صد مؤمن به پنهانی بریخت

نشانه دهم: بدگمانی و تهمت زدن به انسانهای درستکار

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمن يَغُلَّ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [العمران: ۱۶۱]

«منافقان پیامبر را متهم کردند که به آنها خیانت خواهد کرد! در حالی که) هیچ پیغمبری را نسزد که خیانت کند، و هر کس خیانت ورزد، در روز رستاخیز آنچه را که در آن خیانت کرده است با خود (به صحنه محشر) می‌آورد، سپس به هرکسی پاداش و پادافره آنچه کرده است به تمام و کمال داده می‌شود، و بدانان ستم نخواهد شد».

نشانه یازدهم: تلاش در جهت شیوع فساد و تباهی به نام اصلاح و نیکویی

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿۱۲﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿۱۳﴾﴾ [البقرة: ۱۱، ۱۲]

«هنگامی که بدیشان گفته شود: در زمین فساد و تباهی نکنید. گویند: همانا ما اصلاحگر هستیم. هان! ایشان بدون شک فسادکنندگان و تباهی پیشگاند و لیکن (به سبب غرور و فریب خوردگی خود به فسادشان) پی نمی برند».

منافق با کارهای غلط خود به شیوع فساد و تباهی در جامعه دامن می زند و وقتی به او گفته شود، چرا از خدا نمی ترسی؟ در جواب می گوید: من کار بدی نکرده ام. اگر من نکنم دیگران می کنند و ... در حالی که خودش در دل می داند که آن کار او باعث گسترش فساد و تباهی خواهد شد.

نشانه دوازدهم: ظاهر و باطن منافق یکی نیست

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿۱﴾﴾ [المنافقون: ۱]

«هنگامی که منافقان نزد تو می آیند، سوگند می خورند و می گویند: ما گواهی می دهیم که تو حتماً فرستاده خدا هستی! خداوند می داند که تو فرستاده خدا می باشی ولی خدا گواهی می دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند (چرا که به سخنان خود ایمان ندارند)».

با توجه به آیه بالا، هر کس که ظاهر و باطنش یکی نباشد و به عبارتی دیگر صورت و سیرتش یکی نباشد، منافق خواهد بود. گاهی منافق لباس و هیئت آراسته دارد اما درونش فاسد و بدبوست.

ظاهر دستار چون حور بهشت آن منافق اندرون رسوا و زشت اما مؤمن واقعی در کنار آراستگی ظاهر، دل و درونش را هم به ذکر و یاد خدا و به صفات نیک آراسته می کند تا زیبایی ظاهر و زیبایی باطن هر دو را با هم داشته باشد و از جمله منافقان نباشد.

نشانه سیزدهم: امر به منکرات و زشتی‌ها و نهی از معروف و نیکی‌ها

﴿الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ..﴾

[التوبة: ۶۷]

«مردان منافق و زنان منافق همه از یک گروه (و یک قماش) هستند. آنان همدیگر را به کار زشت فرا می‌خوانند و از کار خوب باز می‌دارند.»

منافقین می‌خواهند خرابکاری، زنا، بی بند و باری و بی‌حجابی گسترش پیدا کرده و موسیقی غیرشرعی، عکسها و فیلمهای لخت و نیمه لخت، سیگار و تریاک و مخدرات در جامعه انسانی شیوع داشته باشد. اینها همه از جمله منکرات و بزه کاری است. منافق دوست ندارد خیر و نیکی و علم و آگاهی مردم رشد کند و اگر کسی از سر خیرخواهی به او بگوید: این کارها مورد پسند خدا نیست و پیامبر نهی کرده است، در جواب خواهد گفت لازم نیست تو به ما درس دین بدهی، ما خودمان از دین آگاهی داریم.

نشانه چهاردهم: منافق در امور خیر خسیس و بخیل است

﴿وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ﴾ [التوبة: ۶۷]

«و دستهایشان را (از بذل و بخشش در راه خیر) می‌بندند.»

منافق را می‌بینی که برای خودنمایی و تظاهر و طلب شهرت، مهمانی‌ها می‌گیرد و خرج‌های سنگین می‌کند، اما اگر برای کار خیری از او کمک بخواهی، با اکراه و به سختی مبلغ ناچیزی کمک خواهد کرد.

نشانه پانزدهم: فراموش کردن خدا

﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ هُمُ الْفٰسِقُونَ﴾ [التوبة: ۶۷]

«خدا را فراموش کرده‌اند (و از پرستش او روی گردان شده‌اند)، خدا هم ایشان را فراموش کرده است (و رحمت خود را از ایشان بریده و هدایت خویش را از آنان دریغ داشته است). بدرستی منافقان، همان اهل فسق (و گردنکشان در قبال حق) هستند.»

منافق از خانواده، سرگرمی‌ها و لذات دنیوی، آرزوها و داشته‌ها و هر چیز دیگری

صحبت می‌کند غیر از خدا! این در حالی است که فراموش کردن خداوند، بزرگترین بلا و مصیبت است. چون خداوند نیز او را به فراموشی می‌سپارد. اما مؤمن واقعی همواره و در هر موقعیتی در خواب و در بیداری، در کار و در استراحت، سواره یا پیاده، در نعمت و در مصیبت، هیچ وقتی را از یاد خدا خالی نمی‌گذارد.

نشانه شانزدهم: وعده‌های خدا و پیامبر را دروغ می‌داند

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾﴾

[الأحزاب: ۱۲]

«و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که منافقان و آنان که در دلهایشان بیماری (نفاق) وجود دارد، می‌گویند: خدا و پیغمبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند». منافق باوری به آخرت ندارد، به همین خاطر فقط در طلب دنیا و مقامات دنیوی است.

نشانه هفدهم: آگاهی نداشتن از احکام دین و ندانستن برنامه زندگی خداپسندانه

﴿وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٧﴾﴾ [المنافقون: ۷]

«ولی منافقان (حقایق و واقعیت‌ها) در نمی‌یابند و نمی‌فهمند».

منافق به علوم تجربی و دنیوی علاقه دارد و یاد می‌گیرد! اما از درک حقایق دین و قدرت وعده‌های الهی و روز سزا و جزا و... قاصر و عاجز است و این تنها بدین خاطر است که خودش نمی‌خواهد بفهمد و خداوند نیز بر دل او مهر می‌زند. منافق دوست ندارد در مجالس و مباحث از عبادت و نماز و یاد خدا بحث شود، چون فکر می‌کند چیزی از آن نمی‌داند و مایه سرافکنندگی اوست. اما مؤمن واقعی به دنبال کسب علم شرعی و احکام دین می‌رود و همیشه در تلاش است کاری را که در آن سود و خیری هست، انجام دهد.

نشانه هجدهم: خوشحالی بر مصیبت ایمانداران و دلتنگی در شادی آنها

﴿إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾﴾ [التوبة: ۵۰]

«اگر به تو نیکی برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند، و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: ما پیش از این چاره کار خود را اندیشیده‌ایم و شادمانه باز می‌گردند.»

اگر منافق باخبر شود که مسلمانی دچار بلا و مصیبتی شده است، فوراً شروع به پرخ آن خبر می‌کند و طوری وانمود می‌کند که از این واقعه ناراحت شده است اما دروغ می‌گوید و در دل به آن شاد و خوشحال است.

نشانه نوزدهم: چاپلوسی و زبان بازی

﴿وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشِبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَوَقَّاهُمُ اللَّهُ أَنْ يَكُونُوا يَتَّبِعُونَ الَّذِينَ يَدْعُونَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْ يَكُونُوا يَكُونُوا يَكُونُوا ﴿٥١﴾﴾ [المنافقون: ۴]

«و اگر (سخن) گویند به سخنان‌شان گوش فرا می‌دهی، گویی آن‌ها چوب‌های تکیه داده به دیوارند، هر بانگی را علیه خود می‌پندارند، آن‌ها دشمن (واقعی) هستند، پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه (از حق) منحرف می‌شوند؟!».

منافق چاپلوس و زبان باز است و به شکلی حرف می‌زند که مردم فکر کنند از دیگران فهمیده‌تر و عاقل‌تر است. منافق دوست دارد بالاتر از فهم مردم سخن بگوید تا برتری خود را به دیگران تحمیل کند و با این کارها می‌خواهند مردم را فریب دهند.

گر به دریا در افتی ای منافق ز زشتی کی خورد مار و نهنگت
چه گویم با تو ای نقش مزور چه معنی گنجند اندر جان تنگت

نشانه بیستم: مسخره کردن دین خدا و سنت پیامبر ﷺ

﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ نُنزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةً تُذَكِّرُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُوا إِنْ أَلَّاهُ مُخْرَجًا مَا تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَعَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦٥﴾﴾ [التوبة: ٦٤، ٦٥]

«منافقان (خدا و آیات و پیغمبر او را در میان خود به مسخره می‌گیرند و) می‌ترسند که سوره‌ای بر ضد ایشان نازل شود (و علاوه از آنچه می‌گویند) آنچه را (هم که) در دل دارند به رویشان بیاورد و آشکارش سازد. بگو: هر اندازه می‌خواهید مسخره کنید، بیگمان خداوند آنچه را که از آن بیم دارید (و در پنهان داشتنش می‌کوشید) آشکار و هویدا می‌سازد. اگر از آنان (درباره سخنان ناروا و کردارهای ناهنجارشان) بازخواست کنی، می‌گویند: (مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلکه با همدیگر) بازی و شوخی می‌کردیم. بگو: آیا به خدا و آیات او و پیغمبرش می‌توان بازی و شوخی کرد؟!»

همین طور مسخره کردن به لباس و ریش و هیئت یک مسلمان، شخص را وارد دایره نفاق و کفر خواهد کرد.

شکست بزرگ

انسان منافق با اعمال مزدورانه خود، درهای رحمت خداوند را بر روی خود بسته و درهای عذاب را به روی خود باز می‌کند:

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَآءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾﴾ [الحديد: ١٣]

«روزی که مردان منافق و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: (با شتاب به سوی بهشت حرکت نکنید و) منتظرمان بمانید تا از نور شما فروغ و پرتوی (به ما بتابد و از آن) استفاده کنیم! بدیشان گفته می‌شود: به عقب برگردید (و مجدداً به دنیا بروید) و نوری به دست بیاورید! در این حال ناگهان دیواری میان آنان زده می‌شود که دری دارد. داخل آن (که به طرف مؤمنان

است) رو به رحمت است (که بهشت و نعمت سرمدی است) و خارج آن (که به طرف منافقان است) رو به عذاب است (که دوزخ و نعمت ابدی است)».

﴿يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾﴾

[الحديد: ۱۴]

«منافقان، مؤمنان را صدا میزنند، مگر ما (در دنیا) با شما نبودیم؟ می‌گویند: بلی! ولیکن (با نفاق)، خویشان را گرفتار بلا کردید، و چشم به راه (مرگ پیغمبر، و نابودی مسلمانان، و برچیده شدن اسلام) ماندید و (درباره حقانیت دعوت پیغمبر و قرآن و وجود معاد و رستاخیز) شک و تردید ورزیدید، و آرزوها و پندارها شما را گول زد، تا این که فرمان خدا (دائر بر مرگتان) در رسید و اهریمن (بدکاره و نفس اماره‌ی) فریبکار، شما را در برابر فرمان خدا فریب داد».

آن منافق با موافق در نماز	از پی استیزه آید، نی نیاز
در نماز و روزه و حج و زکات	با منافق مؤمنان در برد و مات
مؤمنان را برد باشد عاقبت	بر منافق مات اندر آخرت
هر یکی سوی مقام خود رود	هر یکی بر وفق نام خود رود
مؤمنش خوانند جانش خوش شود	ور منافق گویی پر آتش شود

دعای پایان:

از خداوند بزرگ می‌خواهم که ما را از این بیماری مهلک و کشنده محافظت نماید و توفیق دهد که این نشانه‌ها را همواره به یاد داشته باشیم و از آنها پرهیز و حذر کنیم.
آمین یا رب العالمین

منابع:

تفسیر نور، دکتر مصطفی خرم دل
علائم نفاق، دکتر عائض القرنی، ترجمه نوا محمد سعید
کیمیای سعادت، امام محمد غزالی
مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی